



سید خلیل سجادیپور  
info@khorasannews.com

دو سارق پژو سوار در عملیات دلهره آور تعقیب و گریز در حالی هدف شلیک های پلیس قرار گرفتند و از ناحیه پا مجروح شدند که مبارزه قاطع نیروهای

انتظامی با جرایم سرعت وار در حله جدیدی شده است.

جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی در تشریح ماجرای شلیک های خونبار پلیس برای مبارزه با یغماگران اموال مردم به خبرنگار ارشد روزنامه خراسان گفت: با گزارش یکی از شهروندان به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰، مبنی بر تردد مشکوک دو جوان پژو سوار در خیابان بنفشه، بلافاصله نیروهای گشت کلانتری آبکوه به طرف نشانی مذکور حرکت کردند و خودروی پژو را مشاهده کردند که چندر قم از پلاک آن با یک قطعه پارچه پوشیده شده بودو جوانی هم پشت فرمان آن قرار داشت.

در همین حال همدست راننده پژو که مشغول سرعت باتری یک دستگاه کامیون بود، با مشاهده نیروهای انتظامی، سراسیمه داخل پژو پرید و راننده نیز پدال گاز را افشرد.

سرتیپ دوم احمدنگهبان افزود: با محرز شدن جرم مشهود، بی درنگ بیسیم های پلیس به کار افتاد و عملیات تعقیب و گریز در حالی با هدایت مستقیم سرهنگ روح ... لطفی (رئیس کلانتری آبکوه) آغاز شد که گروه دیگری از گشت های انتظامی نیز به طرف منطقه تعقیب و گریز حرکت کردند. در یک لحظه فرمان «ایست»پلیس با صدای شلیک های هوایی

### جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی تشریح کرد

# ماجرای شلیک های خونبار در عملیات دلهره آور

یکی از سارقان از ارتفاع ۴ متری دیوار پایین پرید و فرارکرد اما ...

در هم آمیخت اما تبهکاران برای فرار از چنگ قانون، چراغ های پژو ۴۰۵ را خاموش کردند و در تاریکی شب به ویرانه های خطر ناک و دلهره آمیز ادامه دادند. طولی نکشید که تدابیر و شیوه های تخصصی پلیسی به مر حله اجرا درآمد تا هنگام عملیات دستگیری سارقان، جان رهگذران و رانندگان دیگر به خطر نیفتد.

این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: راننده پژو بی توجه به فرمان های پلیس وتیر اندازی ها، همچنان بر سرعت خودرو می افزودو به سمت بولوار جانباز ویرازی داد. او به طرز وحشتناکی از لابه لای خودروهای عبوری می گریخت تا این که گروه دیگر نیروهای عملیاتی را مقابل خود دید. راننده جوان که دیگر نمی توانست به فرار ادامه دهد، ناگهان کنترل فرمان را از دست دادو خودرو به شدت با جدول حاشیه خیابان برخورد کرد. در این شرایط بود که هر دو سارق از درون پژو بیرون پریدندو بازهم بدون توجه به اخطار های شدید پلیس، با پای پیاده در تاریکی شب به فرار خود ادامه دادند.

سردار نگهبان تاکید کرد: نیروهای انتظامی نیز با بیرون کشیدن سلاح ها دوباره شلیک های هوایی را در بولوار جانباز آغاز کردند ولی دو سارق از یکدیگر فاصله گرفتند و یکی از آنان به طرف بولوار شهید فرامرز عباسی گریخت. وی گفت: در حالی که صحنه های دلهره آوری در این عملیات پلیسی رقم می خورد، عوامل انتظامی، در مکانی خلوت که جان شهروندان حفظ شود، پاهای سارق فراری را هدف گرفتند و پس از آخرین اخطار های قانونی، ماشه سلاح را افشردند. لحظاتی بعد سارق جوان با اصابت گلوله

به ساق پا، نقش بر زمین شدو «حلقه های امنیت» دستان وی را به آغوش کشیدند.

جانشین سکاندار امنیت سرزمین خورشید اضافه کرد: در همین حال که صدای آژیر امدادگران اورژانس به گوش می رسید، گروه عملیاتی دیگر کلانتری آبکوه همچنان به تعقیب سارقی ادامه دادند که به سوی بولوار شهید فرامرز عباسی گریخته بود. این عملیات نیز به آتش گلوله ها گره خور د و صدای ۵ تیر هوایی در حالی فضای خیابان را روشن کرد که سارق ۳۶ ساله با عبور از داخل یک



با دستگیری متهم به قتل نوجوان ۱۵ ساله

# کابوس دستبند های پلیس، در «خواب اتوبوسی» تعبیر شد!

خراسان حاکی است با توجه به اهمیت موضوع،

این پرونده با دستور قاضی وحید خاکشور به پلیس آگاهی ارجاع شدو بدین ترتیب گروه کارآزموده ای از افسران اداره جنایی به واکاوی این جنایت وحشتناک پرداختند. چند روز بعد سرخ های مهمی از ضاربان نوجوان مذکور به دست آمد و کارآگاهان دامنه بررسی های تخصصی خود را در حالی به بولوار طبرسی شمالی کشاندند که تحقیقات بیشتر نشان داد متهم اصلی یک جوان ۲۶ ساله به نام «بهنام» است که پس از مرگ نوجوان در مرکز درمانی، به مکان نامعلومی گریخته است. به همین دلیل بررسی های تخصصی کارآگاهان با هدایت سرهنگ محمدرضا فدائیان (رئیس پلیس آگاهی مشهد) ادامه یافت و رد زنی های اطلاعاتی برای شناسایی مخفیگاه وی آغاز شد. فرمانده انتظامی مشهد در این باره به خبرنگار ارشدر روزنامه خراسان گفت: صدهای اطلاعاتی کارآگاهان بیانگران بود که متهم تحت تعقیب به یکی از شهرهای جنوبی کشور گریخته است بنابراین تحقیقات ادامه یافت تا این که کارآگاهان به اسناد معتبری دست یافتند که نشان می داد متهم ۲۶ ساله قصد دار داز

جنوب به شمال کشور سفر کند و در مکانی مخفی شود که پلیس نتواند او را پیدا کند. سرهنگ محمدچراغ افزود: این گونه بود که وی زیر ذره بین رصدهای اطلاعاتی دقیق قرار گرفت و سفرهای وی با اتوبوس مسافربری با دقت کنترل شد. مقام ارشد انتظامی مشهد خاطر نشان کرد: این متهم ابتدا از پارسیان به شیراز و بعد به اصفهان و تهران سفر کرد و از آن جا به مقصد مازندران سوار یک دستگاه اتوبوس بین شهری دیگر شد. وی گفت: در این شرایط گروهی از کارآگاهان به سرپرستی سرگرد شکیبا (افسر پرونده) از مشهد به طرف آمل به راه افتادند و در پلیس راه آمل به انتظار ورود اتوبوس حامل متهم به قتل نشستند. ساعتی بعد اتوبوس در حالی از راه رسید که متهم و بسیاری از مسافران به خواب صبحگاهی فرو رفته بودند. سرهنگ چراغ ادامه داد: در همین حال کارآگاهان، دستبند های فولادین قانون را بردستان وی حلقه زدند و او را که هنوز در شوک کابوس وار قرار داشت، از اتوبوس پیاده کردند. رئیس پلیس مشهد اضافه کرد: بازجویی از وی بادستور قاضی شعبه ۲۵۸ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد بعد از انتقال به پلیس آگاهی آغاز می شود.



عکس خراسان

## شکارچیان بی رحم با ۱۳ اسلح شکاری به دام افتادند

**توکلی** -شکارچیان بی رحم با کشف ۱۳ سلاح شکاری غیرمجاز در دهستان های شهرستان بزم دستگیر شدند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی بزم گفت: با اشراف اطلاعاتی پلیس بزم مشخص شدن شکار غیر قانونی و نگهداری سلاح توسط تعدادی شکارچی غیرمجاز در مناطق اطراف این شهرستان، موضوع تحت بررسی دقیق قرار گرفت. سرهنگ عزت... عبدلی نسب افزود: نیروهای پلیس در چند عملیات، سه شکارچی غیرمجاز را به دام انداختند و در ادامه در بازرسی از مخفیگاه آنان ۱۳ قبضه اسلحه شکاری با تعدادی فشنگ، ۱۰ دستگاه دوربین، افشانه، شوکر برقی و تجهیزاتاتی دیگر و مقادیر زیادی گوشت قوچ وحشی را کشف کردند.

### در امتداد تاریکی

# آرزوهای بی پایان به میله های زندان حلقه شد!

آرزوهای بی پایان، احساس ناکامی و عقده های دوران کودکی در حالی مرا به سوی ترک تحصیل و داشتن یک زندگی رویایی سوق داد که به خاطر مشکلات مالی وضعف اقتصادی خانواده ام با آن هادست به گریبان بودم اما تصمیم های اشتباه و رفاقت های نادرست به گونه ای زندگی ام را به تباهی کشاند که اکنون به جرم گوشی قاچی باید بهترین روزهای جوانی ام را در زندان سپری کنم ... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات گوشی قاپ ۲۰ ساله ای است که پس از یک هفته تلاش های اطلاعاتی و عملیاتی نیروهای زبده کلانتری شفای مشهد دستگیر شد. این جوان که مدعی بود دیگر نمی تواند به چشمان پدر و مادرش نگاه کند، در باره سر نوشت خود گفت: من ۳ خواهر دارم و تک پسر خانواده ام هستم به همین دلیل پدرم خیلی دوست داشت تا من با ادامه تحصیل شغل مناسبی دست وپا کنم که به من افتخار کند. آن روزها در حاشیه شهر زندگی می کردیم و مادرم نیز برای کمک به مخارج خانواده، برای نظافت منازل در خانه های مردم کار می کرد. پدرم نیز کارگر ساختمانی بودو به سختی می توانست کار کند. او با آن که قلب بسیار مهربانی داشت اما به خاطر اعتیادش به موادمخدر سنتی، مجبور بود بخشی از درآمدش را صرف تهیه مواد مخدر کند. به همین دلیل اوضاع اقتصادی خانواده مناسب نبود و روز به روز بدتر هم می شد. در این شرایط من هم که به سن نوجوانی رسیده بودم آرزوهای بزرگی را در سر می پروراندم و دوست داشتم مانند بسیاری از دوستان و هم کلاسی هایم پول توجیبی داشته باشم و هر آن چه را دوست دارم برای خودم تهیه کنم ولی این آرزوهای بی پایان و احساس حقارت و کمبودها مرا به سوی ترک تحصیل سوق می داد. دلم می خواست خودم کار کنم تا به یک زندگی رویایی برسم اما پدر و مادرم به شدت مخالف ترک تحصیل بودند و دوست داشتند من درسم را ادامه بدهم تا فرد مفیدی باشم و جایگاه شغلی مناسبی به دست بیآورم. با وجود این، من روی همین تصمیم اشتباه پافشاری کردم و بالاخره از درس و مدرسه فاصله گرفتم. آن روز اگر چه برای اولین بار شکستن پدرم را در چشمانش با همه وجودم احساس کردم اما توجهی به اشک های غم آلود پدرم نکردم و بعد از یک ماه جست و جو در یک تعمیرگاه برق خودرو مشغول کار شدم. حدود ۲ سال بود که شاگردی می کردم ولی استاد کارم حقوق اندکی به من می داد که نمی توانستم با این پول ها به آرزوهایم دست یابم. با آن که حالا خودم تقریبا استاد کار شده بودم ولی از همان دوران نوجوانی، لجبازی و لجاجت یکی از خصوصیات اخلاقی ام بود که بر سر هر موضوعی لج می کردم.

خلاصه زمانی که بی توجهی استاد کارم را دیدم باز هم مانند زمان ترک تحصیل به لجبازی او پورا داختم و تصمیم گرفتم در کنار تعمیرگاه صاحبکارم برای خودم یک تعمیرگاه اجاره کنم تا به او بفهمانم که خودم استاد کار هستم ولی نه خودم سرمایه ای داشتم و نه پدرم می توانست به من کمک کند! این بود که سیم کشی خودرو را هر کردم و با خرید موتور سیکلت «پیک موتوری» شدم تا از این طریق به درآمد هنگفت برسم. با خودم فکر می کردم اگر ساعت های زیادی کار کنم بیشتر از سیم کشی خودرو درآمد دارم. هنوز یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که روزی در خیابان با جوانی به نام «موسی» آشنا شدم. او وقتی موتور سیکلت را دیدم مرا به لانه مجردی اش دعوت کرد. آن جا بساط عیش و نوش پهن بود و در حالی مرا ترغیب به مصرف موادمخدر کرد که از درآمدهای زیادش سخن می گفت.

«موسی» مدعی بود شب هنگام به صندوق عقب خودروها دستبرد می زند اما اگر من موتور سیکلتم را در اختیارش بگذارم دیگر مانند گذشته به گوشی قاچی رو می آورد. او آن قدر از ریخت وپاش های میلیونی، قصه های ساختگی بازگو کرد که وسوسه شدم با او همکاری کنم. «موسی» خیلی زود شگردهای سرعت را هم به من آموخت و من درحالی به گوشی قاچی روآوردم که دیگر در پاتوق او به یک معتادحرفه ای موادمخدر صنعتی (شیشه) نیز تبدیل شده بودم.

حالا نه تنها برای درآمد های راحت سرعت می کردم بلکه مجبور بودم

به گوشی قاچی هزینه های اعتیاد مرا اتامین کنم و اما در همین روزها

بود که محاصره نیروهای تجسس و گشت نامحسوس کلانتری شفا

قرار گرفتم و دستگیر شدم اما ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با توجه به گستردگی جرایم این جوان ۲۰ ساله، تحقیقات تخصصی و بازجویی های فنی از وی زیر نظر مستقیم سرگرد احسان سبیکار (رئیس کلانتری شفای مشهد) آغاز شد و سپس این سارق حرفه ای برای بررسی های روان شناختی در اختیار کارشناسان دایره مددکاری اجتماعی قرار گرفت.

**براساس ماجراهای واقعی در زیر پوست شهر**

**پرونده کلاسه ۰۶۷۵۶۴۴۸-۰۳۲۵۹۲۰۰۰ شعبه ۶۲ دادگاه صلح مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد**

**تعیین نهایی شماره ۲۵۵۲-۱۴۰۴۲۵۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰**

خوانان: خاتم مینا ضریب حصار جلال فرزند رسول به نشانی استان خراسان رضوی - شهرستان مشهد - مشهد

خوانسته: گواهی حصار وراثت

گواهی حصار وراثت

خاتم مینا ضریب حصار جلال شماره ملی ۱۳۷۸۳۴۶۰۷۰ بااستناد شهادتنامه و گواهی فوت و رونوشت شناسنامه ورثه درخواستی بشماره ۰۶۲۴۰۳۰۰ تقدیم این شعبه نموده چنین اشعار داشته است که شادروان ماه رخ ضریب حصار جلال شماره ملی ۱۳۷۷۸۳۰۷۰ در تاریخ چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۷ در گذشته و ورثه وی در هنگام درگذشت عبارتند از

۱- رمضان واحدی راد فرزند رسول شماره ملی ۷۰۳۱۷۲۳۴۰۷۰ نسبت با متوفی: فرزند

۲- لیلا بهرامی زاده فرزند رسول شماره ملی: ۷۰۱۳۷۷۵۴۰۷۰ نسبت با متوفی: فرزند

۳- مینا ضریب حصار جلال فرزند رسول شماره ملی: ۷۰۱۳۷۸۳۴۶۰۷۰ نسبت با متوفی: فرزند

پس از تشریفات قانونی و انتشار یک نوبت آگهی در روزنامه و عدم وصول هرگونه ایلیحه یا اعتراض یا ارانه وصیت نامه ساری یا رسمی حسب گواهی مقصدی مربوطه سرانجام در تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۰۵ در وقت فوق العاده شعبه ۶۴ دادگاه صلح مشهد بتصدی اعضا، کنندگان زیر تشکیل و پس از مناقشه پرونده که گواهی تعیینمیه که ورثه در گذشته متعصر به اشخاص یاد شده در بالا بوده و وارث دیگری ندارد و دارایی آن رونشاد پس از پرداخت و انجام حقوق و دیونیگه بر ترکه تعلق میگیرد به صورت زیر تقسیم میگردد. کل مترك بین فرزندان به نسبت سهم پدر دو برابر دختر قابل تقسیم وتسهیم می باشد.

اعتبار قانونی این گواهینامه از حیث مبلغ نامحدود است.

شعبه ۶۲ دادگاه صلح مشهد

۱۱۸۱۱۳

**واگذاری دو عدد سوئیت**

**شرکت توسعه گردشگری شهرداری مشهد** در نظر دارد دو عدد سوئیت با مشخصات ذیل (جهت استفاده دفتر اداری، دفتر وکالت، مطب پزشکی و...)، نزدیک حرم مطهر واقع در آخوند خراسانی ۴ طبقه ششم پارکینگ خسروی را به صورت سالیانه واگذار نماید. لذا از متقاضیان در این خصوص دعوت می شود تا از محل بازدید و پاکت پیشنهاد خود را به دفتر این شرکت واقع در مشهد - آخوند خراسانی ۴ طبقه ششم پارکینگ خسروی شرکت توسعه گردشگری شهرداری مشهد ارسال نمایند.

شماره سوئیت	متراژ	امکانات
۱	۴۸	درب ضد سرقت، کف سرامیک، سقف کاذب، پنجره دوجداره رو به خیابان خسروی، اتاق خواب دو تخته، اتاق نشیمن، سرویس بهداشتی ایرانی و فرنگی و حمام، گرمایش رادیاتوور، سرمایش کولر گازی، مفروش و میله
۲	۶۷	درب ضد سرقت، کف سرامیک، سقف کاذب، پنجره دوجداره رو به خیابان خسروی ، اتاق نشیمن و یک اتاق خواب، سرویس بهداشتی ایرانی و فرنگی و حمام، گرمایش رادیاتوور، سرمایش کولر گازی

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۱۳۱۲۹۱۹۳۴ - ۰۵۱۳۱۲۹۲۹۶۶ تماس حاصل فرمائید.

**مهلت ارسال پیشنهادات: از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۷ روز کاری**

۱۱۸۴۵۵

**سرفه جویی در زمان**

**سفارش آنلاین آگهی در**

**روزنامه خراسان**

**www.37010.ir**

**پرونده آتلاین**

**۳۵۱۵۰**